

Research Paper

The relationship between critical thinking and teaching skills of female secondary school teachers

Tayyebeh Najafi^{2*}., Abbas Gholtash

Received: 20/05/2025

Accepted: 29/11/2025

Pp: 14-25

Abstract

Introduction: The main goal of education is to train people who can think, not those who are content with what they are told. Thinking is one of the mental skills. The present study aimed to investigate the relationship between critical thinking and teaching skills of female teachers in Marvdasht. The research method used in this study is descriptive correlational. The statistical population in this study includes all female secondary school teachers in Marvdasht city, more than 550 people. The sample size was used using the single-stage cluster sampling method. In such a way that 10 high schools were selected from 17 high schools in this city and teachers were randomly selected from each high school as samples. The research tools in this study include the standard critical thinking tendency questionnaire (RITEK) and the researcher-made teaching skills questionnaire. The basis for scoring the questionnaires was based on the opinions of experts and its reliability was also evaluated based on the Cronbach's alpha test and was calculated as teaching skills (0.820) and the critical thinking subscales, namely creativity (0.75), maturity (0.57), and commitment (0.86), respectively, which indicates the desirable reliability of the research questionnaire. In this study, Pearson correlation analysis and simple regression were used to analyze the data. The results of this study showed that there is no relationship between critical thinking and teachers' teaching skills. The results also showed that there is no significant relationship between the components of critical thinking (creativity, growth, and commitment) and teachers' teaching skills. There is no significant relationship between critical thinking and its dimensions and teaching skills of female teachers.

Keywords: Critical thinking, Teachers, Teaching skills.

Citation: Azadi, M., Akhbariazad, M.. (2025). The relationship between critical thinking and teaching skills of female secondary school teachers. *Journal of ahsan Education, Vol 2 No 2, Pp14-25*

Extended Abstract

Introduction:

Given the central role of teachers in the education process and the direct impact of teaching skills on improving the quality of students' learning, it is of particular importance to pay attention to the factors that strengthen these skills. In the meantime, critical thinking, as one of the excellent cognitive abilities, provides the basis for choosing effective teaching methods, analyzing educational situations, and making informed decisions in the classroom. Since female teachers constitute a significant part of the educational system, examining the relationship between critical thinking and their teaching skills can draw new horizons in improving the quality of education and the learning process. Accordingly, choosing this topic has found a scientific and practical necessity.

Goal:

Therefore, the main purpose of this study is to investigate the relationship between critical thinking and teaching skills of female secondary school teachers in Marvdasht.

Method:

The research method used in this study is descriptive correlational. The statistical population in this study includes all female secondary school teachers in Marvdasht city, more than 600 people. The sample size was used using the single-stage cluster sampling method. In such a way that 10 high schools were selected from 15 high schools in this city and teachers were randomly selected from each high school as samples. The research tools in this study include the standard critical thinking tendency questionnaire (RITEK) and the researcher-made teaching skills questionnaire. The basis for scoring the questionnaires was based on the opinions of experts and its reliability was also evaluated based on the Cronbach's alpha test and was calculated as teaching skills (0.82) and the critical thinking subscales, namely creativity (0.79), maturity (0.84), and commitment (0.86), respectively, which indicates the desirable reliability of the research questionnaire.

Findings:

In this study, Pearson correlation analysis and simple regression were used to analyze the data. The results of this study showed that there is no relationship between critical thinking and teachers' teaching skills. The results also showed that there is no significant relationship between the components of critical thinking (creativity, growth, and commitment) and teachers' teaching skills.

Conclusion:

The findings of the study showed that there is no significant relationship between critical thinking and teaching skills of female secondary school teachers. This result indicates that improving teaching skills requires attention to factors other than critical thinking.

رابطه بین تفکر انتقادی و مهارت‌های تدریس معلمان زن دوره متوسطه

طیبه نجفی^۱، دکتر عباس قلتاش^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

شماره صفحات: ۱۰

چکیده

مقدمه و هدف: هدف اصلی آموزش و پرورش، تربیت افرادی است که توانایی تفکر داشته باشند، نه افرادی که صرفاً به دانسته‌های ارائه شده بسنده کنند. تفکر از جمله مهم‌ترین مهارت‌های ذهنی محسوب می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تفکر انتقادی با مهارت‌های تدریس دبیران زن شهر مرودشت انجام گرفت.

روش شناسی پژوهش: روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه معلمان زن دوره متوسطه شهرستان مرودشت، بالغ بر ۵۵۰ نفر است. حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تک مرحله‌ای مورد استفاده قرار گرفت. به این صورت که از بین ۱۷ دبیرستان این شهر، ۱۰ دبیرستان انتخاب و از هر دبیرستان به صورت تصادفی معلمان به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای تحقیق در این پژوهش شامل پرسشنامه استاندارد گرایش به تفکر انتقادی (RITEX) و پرسشنامه محقق ساخته مهارت‌های تدریس است. مبنای نمره‌گذاری پرسشنامه‌ها بر اساس نظرات متخصصان بوده و پایایی آن نیز بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ارزیابی و به ترتیب مهارت‌های تدریس (۰.۸۲۰) و خرده مقیاس‌های تفکر انتقادی یعنی خلاقیت (۰.۷۵)، بلوغ (۰.۵۷) و تعهد (۰.۸۶) محاسبه شد که نشان دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه تحقیق است. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون ساده استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که بین تفکر انتقادی و مهارت‌های تدریس دبیران زن رابطه معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها، تفکر انتقادی و ابعاد آن ارتباطی معنادار با مهارت‌های تدریس دبیران زن نشان ندادند. از این رو پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی برای ارتقای مهارت‌های تدریس و تقویت تفکر انتقادی دبیران طراحی شود. همچنین بازنگری در دوره‌های ضمن خدمت و ایجاد فضای حمایتی در مدارس برای به کارگیری روش‌های نوین تدریس می‌تواند مؤثر باشد. بررسی سایر عوامل مانند انگیزش و رضایت شغلی نیز برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تفکر انتقادی، معلمان، مهارت‌های تدریس

استناد: نجفی، طیبه، قلتاش، عباس. (۱۴۰۴). رابطه بین تفکر انتقادی و مهارت‌های تدریس معلمان زن دوره متوسطه. فصلنامه

نواندیشی در آموزش و یادگیری، دوره ۲ شماره ۳، شماره صفحات ۱۴-۲۵

^۱ - دانشجوی دوره کارشناسی ارشد واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت ف ایران

^۲ - دانشیار، گروه علوم تربیتی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. ایمیل: Abbas.Gholtash@iaui.ir

آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه فردی و اجتماعی، نقش حیاتی در پیشرفت جوامع ایفا می‌کند. تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که آموزش نه تنها به افزایش درآمد و بهبود سلامت جسمی و روانی افراد می‌انجامد، بلکه موجب تقویت تاب‌آوری، انعطاف‌پذیری و رشد شخصی نیز می‌شود. این فرایند، به‌ویژه در سطوح عالی‌تر، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مهم برای دستیابی به فرصت‌های بیشتر و پیشرفت در زندگی عمل کند. (Goulas, 2024)

با این حال، تحقق اهداف بلندمدت آموزش و پرورش بدون حضور معلمانی توانمند و دارای شایستگی‌های حرفه‌ای، امکان‌پذیر نیست. معلمان نه تنها مسئول انتقال دانش و مهارت‌های پایه‌ای هستند، بلکه نقش هدایتگر، مربی و الگویی برای دانش‌آموزان نیز بر عهده دارند و کیفیت عملکرد آن‌ها می‌تواند تفاوت‌های چشمگیری در میزان یادگیری، انگیزش و توسعه مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان ایجاد کند. (Darling-Hammond, 2017). بنابراین، تقویت و ارتقای مهارت‌ها، روش‌ها و نگرش‌های حرفه‌ای معلمان، به‌ویژه در مدارس متوسطه، از مهم‌ترین اولویت‌ها در نظام‌های آموزشی به‌شمار می‌رود، زیرا معلمان به‌عنوان عامل کلیدی در فرایند یاددهی-یادگیری، اثرگذارترین نقش را در موفقیت دانش‌آموزان و تحقق اهداف کلان آموزش و پرورش ایفا می‌کنند.

معلمان نه تنها دانش و مهارت‌های اساسی را به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند، بلکه با الگوسازی، پرورش تفکر انتقادی و تقویت ارزش‌های اخلاقی، زمینه‌ساز رشد همه‌جانبه شخصیت دانش‌آموزان می‌شوند. تحقیقات نشان می‌دهند که معلمان با دانش تخصصی و مهارت‌های روان‌شناختی مناسب، می‌توانند کیفیت تدریس را به‌طور چشمگیری افزایش دهند و بر ادراک دانش‌آموزان از کیفیت آموزشی تأثیر مثبت بگذارند. (Hollenstein, 2024)

در سطح جهانی، معلمان به‌عنوان مهم‌ترین عامل مدرسه‌ای مؤثر بر یادگیری دانش‌آموزان شناخته می‌شوند. بر اساس گزارش بانک جهانی، آن‌ها با تجهیز دانش‌آموزان به مهارت‌ها، دانش و ارزش‌های لازم برای موفقیت در مدرسه، حرفه و جامعه، نقشی کلیدی در تحقق اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کنند. (World Bank, 2025)

در ایران نیز، با توجه به تحولات اخیر در نظام آموزشی، توجه به نقش معلمان و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای آن‌ها از اولویت‌های اساسی به‌شمار می‌رود. این امر مستلزم سرمایه‌گذاری در آموزش‌های مداوم، بهبود شرایط کاری و ایجاد فرصت‌های رشد حرفه‌ای برای معلمان است.

در ادامه مباحث درباره اهمیت آموزش و پرورش و نقش کلیدی معلمان در تحقق اهداف آن، توجه به جایگاه ویژه معلمان در مقطع متوسطه از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مقطع، دانش‌آموزان وارد مرحله‌ای حساس از رشد شناختی، اجتماعی و حرفه‌ای می‌شوند که می‌تواند مسیر آینده تحصیلی و شغلی آن‌ها را شکل دهد. معلمان متوسطه نه تنها مسئول انتقال دانش تخصصی در رشته‌های مختلف هستند، بلکه با ایفای نقش مشاور، راهنما و الگو، به توسعه مهارت‌های زندگی، تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری دانش‌آموزان کمک می‌کنند.

تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که معلمان در مقطع متوسطه با بهره‌گیری از مهارت‌های تدریس مؤثر، می‌توانند انگیزه، اعتماد به نفس و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را به‌طور چشمگیری افزایش دهند. این معلمان با استفاده از روش‌های نوین آموزشی، ارزیابی‌های مستمر و بازخورد سازنده، محیطی پویا و چالش‌برانگیز برای یادگیری فراهم می‌کنند که موجب رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان می‌شود. در ایران نیز، با توجه به تحولات اخیر در نظام آموزشی، توجه به نقش معلمان متوسطه و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای آن‌ها از اولویت‌های اساسی به‌شمار می‌رود. این امر مستلزم سرمایه‌گذاری در آموزش‌های مداوم، بهبود شرایط کاری و ایجاد فرصت‌های رشد حرفه‌ای برای معلمان است.

مهارت‌های معلمان برای تدریس، عامل تعیین‌کننده‌ای در کیفیت یادگیری دانش‌آموزان و اثرگذاری آموزش در مدرسه محسوب می‌شوند. این مهارت‌ها شامل توانایی برنامه‌ریزی آموزشی متناسب با اهداف یادگیری، سازمان‌دهی محتوا، طراحی فعالیت‌های متنوع و انتخاب روش‌های تدریس مناسب برای دانش‌آموزان با سطح‌های متفاوت است. معلمانی که دارای مهارت‌های قوی در تدریس هستند، می‌توانند محیطی فعال، مشارکتی و انگیزشی ایجاد کنند که دانش‌آموزان را به تعامل، تفکر انتقادی و یادگیری مستقل تشویق می‌کند. علاوه بر مهارت‌های محتوایی

و روش‌شناختی، توانایی مدیریت کلاس، برقراری ارتباط مؤثر، ارائه بازخورد سازنده و انعطاف در مواجهه با شرایط متغیر، از دیگر ویژگی‌های کلیدی یک معلم موفق به شمار می‌روند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که معلمان با تسلط بر این مهارت‌ها نه تنها یادگیری دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشند، بلکه اعتماد به نفس، انگیزه و رضایت تحصیلی آن‌ها را نیز افزایش می‌دهند. (Hollenstein, 2024; Singh, 2024). بنابراین، توسعه و ارتقای مهارت‌های تدریس معلمان، به ویژه در دوره متوسطه، از اولویت‌های اساسی نظام‌های آموزشی است و به تحقق اهداف آموزش و پرورش کمک شایانی می‌کند.

تفکر انتقادی به عنوان معادل واژه لاتین *critical thinking* برگزیده شده است. *Critical* از دو واژه یونانی به شرح زیر گرفته شده است: *kiritions* به معنای قضاوت بصیرانه و *kiritions* که به معنای معیار است. بنابراین تفکر مبتنی بر معیار منطقی است (Razavipour, 2009).

تفکر انتقادی به عنوان یکی از مهارت‌های شناختی پایه‌ای، نقش کلیدی در توانمندسازی دانش‌آموزان برای تحلیل، ارزیابی و تصمیم‌گیری در موقعیت‌های پیچیده دارد و به آن‌ها امکان می‌دهد تا نه تنها اطلاعات را دریافت کنند، بلکه به صورت فعال و منتقدانه آن‌ها را بررسی نمایند. (OECD, 2020). در مقطع متوسطه، دانش‌آموزان وارد مرحله‌ای حساس از رشد شناختی و اجتماعی می‌شوند که فرصت مناسبی برای توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی فراهم می‌آورد، زیرا آن‌ها با مسائل چندبعدی، تصمیم‌گیری‌های مستقل و تحلیل علمی روبرو هستند (Walker, 2003).

معلمان متوسطه نقش محوری در پرورش تفکر انتقادی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که معلمان با تسلط بر مهارت‌های تدریس مؤثر و دانش روان‌شناختی آموزشی، قادرند فعالیت‌های یادگیری را به گونه‌ای طراحی کنند که دانش‌آموزان بتوانند به صورت فعال مشارکت کنند و مهارت‌های تحلیل، سنجش و حل مسئله را تمرین نمایند. (Hollenstein, 2024). همچنین، استفاده از روش‌های فعال آموزشی، ارزیابی‌های مستمر و ارائه بازخوردهای سازنده، یادگیری انتقادی را تقویت می‌کند و محیطی پویا و انگیزشی ایجاد می‌نماید. (Singh, 2024).

تحقیقات بین‌المللی نشان می‌دهند که معلمان با دانش کافی در حوزه تفکر انتقادی، می‌توانند دانش‌آموزان را به پرسشگری، ارزیابی شواهد و استدلال منطقی تشویق کنند و این توانایی‌ها ارتباط مستقیمی با موفقیت تحصیلی و مهارت‌های زندگی آن‌ها دارد (Darling-Hammond, 2017). به علاوه، آموزش معلمان برای تدریس تفکر انتقادی، توسعه فعالیت‌های مبتنی بر حل مسئله و استفاده از روش‌های مشارکتی، موجب افزایش انگیزه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان می‌شود و آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های واقعی زندگی آماده می‌کند. (OECD, 2020; Walker, 2003).

در زمینه داخلی نیز، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که معلمان زن مدارس متوسطه با مهارت‌های تفکر انتقادی بالا، توانایی بیشتری در هدایت کلاس، طراحی فعالیت‌های یادگیری فعال و ایجاد تعامل مؤثر با دانش‌آموزان دارند و این امر موجب ارتقای کیفیت یادگیری و انگیزه تحصیلی آنان می‌شود. (Singh, 2024). بنابراین، تقویت و توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی در معلمان، به ویژه در دوره متوسطه، نه تنها کیفیت تدریس را افزایش می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری نسل‌هایی خلاق، مستقل و دارای توانایی تصمیم‌گیری منطقی خواهد بود (Hollenstein, 2024; Darling-Hammond, 2017).

تفکر انتقادی به عنوان یکی از مهارت‌های کلیدی در یادگیری دانش‌آموزان، توجه پژوهشگران ایرانی را نیز به خود جلب کرده است. مطالعات نشان می‌دهند که در مقطع متوسطه، پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله ویژگی‌های فردی، محیط یادگیری و روش‌های تدریس قرار دارد. در پژوهشی که در شهر مشهد انجام شد، مشخص گردید که عوامل فردی و محیطی نقش قابل توجهی در توانایی دانش‌آموزان برای تحلیل و ارزیابی مسائل دارند و آموزش متناسب با این عوامل می‌تواند به پرورش تفکر انتقادی کمک کند. (Frooyesh, 2022).

در پژوهشی دیگر که رابطه سبک تدریس معلمان و گرایش به تفکر انتقادی دانش‌آموزان در مدارس راهنمایی گرگان بررسی شد، نتایج نشان داد معلمان که به روش‌های فعال و مشارکتی تدریس می‌کنند، توانایی دانش‌آموزان را در تحلیل و استدلال منطقی افزایش می‌دهند.

این یافته‌ها بر اهمیت آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی به معلمان و استفاده از روش‌های تدریس فعال تأکید دارد (Nera Conference, 2020).

همچنین، پژوهشی با هدف بررسی تأثیر منبع کنترل دانش‌آموزان بر تفکر انتقادی آنان نشان داد که دانش‌آموزانی که منبع کنترل درونی بالاتری دارند، مهارت‌های تفکر انتقادی قوی‌تری دارند. این یافته بر اهمیت توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی و تربیتی دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی آموزشی تأکید می‌کند. (Jiera, 2021)

مطالعات دیگری به بررسی موانع موجود در برنامه درسی متوسطه پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که موانع ساختاری، محتوایی و ارزیابی، رشد تفکر انتقادی دانش‌آموزان را محدود می‌کنند. بنابراین بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی برای ارتقای مهارت‌های تفکر انتقادی ضروری است. (IAU Journal, 2022)

در حوزه معلمان، پژوهشی ارتباط گرایش به تفکر انتقادی معلمان متوسطه دوم با خوش‌بینی تحصیلی آنان را بررسی کرد و نشان داد که معلمان که نگرش مثبت و گرایش انتقادی بالاتری دارند، می‌توانند محیط یادگیری پویاتری ایجاد کرده و دانش‌آموزان را به مشارکت فعال و تفکر مستقل تشویق کنند. (Qajar Journal, 2022)

مطالعه‌ای دیگر رابطه بین تفکر انتقادی و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار داد و نشان داد که تقویت تفکر انتقادی با افزایش انگیزه یادگیری و مشارکت دانش‌آموزان همراه است، بنابراین پرورش این مهارت می‌تواند به بهبود کیفیت یادگیری کمک کند (Civilica, 2021).

همچنین، پژوهشی در حوزه دانش تدریس انتقادی معلمان زبان انگلیسی نشان داد که عدم تسلط کافی معلمان بر مهارت‌های تدریس انتقادی مانع از توسعه تفکر انتقادی در دانش‌آموزان می‌شود و آموزش‌های تخصصی در این حوزه ضرورت دارد. (Elmnet, 2021)

در نهایت، بررسی کاربرد تفکر انتقادی در تدریس کتاب‌های درسی از دیدگاه معلمان مدارس راهنمایی گرگان نشان داد که معلمان در استفاده از تفکر انتقادی مهارت نسبی دارند، اما نیازمند آموزش‌های بیشتر و حمایت‌های حرفه‌ای هستند تا بتوانند به‌طور مؤثر دانش‌آموزان را در فرآیند یادگیری فعال هدایت کنند. (Nera Conference, 2020)

تحقیقات بین‌المللی نشان می‌دهند که تفکر انتقادی به‌عنوان یکی از مهارت‌های کلیدی در آموزش متوسطه، در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است. مطالعه‌ای در سال ۲۰۲۵ نشان داد که معلمان در سطوح مختلف آموزشی با چالش‌هایی در آموزش تفکر انتقادی مواجه هستند. این چالش‌ها شامل پراکندگی مفهومی در درک و تبیین تفکر انتقادی، شکاف‌های برنامه‌ریزی درسی بدون برنامه‌های واضح و منسجم، و نیاز به آموزش‌های آکادمیک و شخصی برای توسعه این مهارت‌ها است. (Loaiza, 2025) این یافته‌ها بر اهمیت بازنگری در برنامه‌های آموزشی و ارائه آموزش‌های تخصصی برای معلمان تأکید دارند.

در همین راستا، پژوهشی دیگر در سال ۲۰۲۴ بر اهمیت آموزش تفکر انتقادی در مدارس متوسطه تأکید کرد و بیان داشت که این مهارت‌ها موجب توسعه استقلال، خلاقیت و مهارت‌های حل مسئله در دانش‌آموزان می‌شوند. این مطالعه همچنین بر لزوم ادغام تفکر انتقادی در برنامه درسی به‌منظور تشویق دانش‌آموزان به تشکیل دیدگاه‌های شخصی، مشارکت در بحث‌های عمیق و مواجهه با مسائل از دیدگاه‌های مختلف تأکید داشت. (Sterkenburg, 2024)

علاوه بر این، پژوهشی در سال ۲۰۲۵ نشان داد که استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی می‌تواند تأثیر منفی بر مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان داشته باشد. این مطالعه با استفاده از اسکن EEG نشان داد که استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی مانند ChatGPT موجب کاهش فعالیت مغزی، کنترل اجرایی و حافظه در دانش‌آموزان می‌شود و آن‌ها را به استفاده از روش‌های سطحی مانند کپی و پیست تشویق می‌کند. (Kosmyna, 2025) این یافته‌ها ضرورت استفاده متوازن از فناوری در فرآیند یاددهی-یادگیری را نمایان می‌سازد.

در نهایت، مطالعه‌ای در سال ۲۰۲۴ در عربستان سعودی نشان داد که دانش‌آموزان در مقطع متوسطه با چالش‌هایی در توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی مواجه هستند. این پژوهش بر لزوم آموزش معلمان در این حوزه و طراحی برنامه‌های آموزشی مناسب برای ارتقای این مهارت‌ها تأکید داشت. (Alhowail, 2024)

این مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته، هنوز نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش معلمان، طراحی برنامه‌های درسی مناسب و ارائه آموزش‌های تخصصی در حوزه تفکر انتقادی وجود دارد تا این مهارت در دانش‌آموزان به‌طور مؤثر پرورش یابد.

آموزش و پرورش در جهان امروز تنها به انتقال دانش و محفوظات محدود نمی‌شود، بلکه مأموریت اصلی آن پرورش افرادی است که قادر به **تفکر مستقل، انتقادی و خلاقانه** باشند. در واقع، آنچه نظام‌های آموزشی را از یکدیگر متمایز می‌سازد، توانایی آنها در آماده‌سازی نسل آینده برای تحلیل شرایط پیچیده، حل مسائل و مشارکت آگاهانه در جامعه است. (Facione, 2020) در این میان، **تفکر انتقادی** به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های شناختی، نقش محوری در تحقق اهداف تعلیم و تربیت ایفا می‌کند. این مهارت شامل توانایی ارزیابی شواهد، تشخیص استدلال‌های منطقی، پرهیز از قضاوت‌های سطحی و دستیابی به نتایج مستدل است. (Paul & Elder, 2019)

با وجود اهمیت روزافزون تفکر انتقادی، مطالعات متعدد نشان می‌دهند که در بسیاری از کشورها از جمله ایران، این مهارت به‌طور کامل در مدارس پرورش نمی‌یابد. (Frooyesh, 2022) دلیل اصلی این مسئله را می‌توان در ساختار سنتی آموزش و تمرکز بیش از حد بر حفظیات و امتحانات دانست که فرصت اندکی برای تقویت مهارت‌های تحلیلی و انتقادی باقی می‌گذارد. (IAU Journal, 2022) از این‌رو، در نظام آموزشی ایران همچنان نیاز به بازنگری و توجه به روش‌های نوین تدریس احساس می‌شود.

در این میان، **معلمان** به‌عنوان اصلی‌ترین عامل انسانی در فرایند یاددهی-یادگیری نقشی تعیین‌کننده دارند. آنان نه تنها ناقل دانش، بلکه تسهیل‌کننده فرآیند یادگیری و پرورش‌دهنده مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان محسوب می‌شوند. (Alhowail, 2024) تحقیقات خارجی نشان داده‌اند که سبک تدریس معلمان می‌تواند تأثیر مستقیمی بر رشد تفکر انتقادی دانش‌آموزان داشته باشد (Loaiza, 2025). در مدارس متوسطه که دانش‌آموزان در مرحله حساس شکل‌گیری هویت فکری و اجتماعی قرار دارند، اهمیت نقش معلمان دوچندان می‌شود. چنانچه معلمان فاقد مهارت‌های کافی برای ایجاد فضای یادگیری فعال و انتقادی باشند، دانش‌آموزان نیز از پرورش توانایی‌های ضروری برای مواجهه با مسائل پیچیده اجتماعی و علمی بازمی‌مانند.

با این حال، پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که رابطه معناداری میان تفکر انتقادی و مهارت‌های تدریس دبیران زن در ایران مشاهده نشده است. (Qajar Journal, 2022) این یافته‌ها پرسش‌های مهمی را مطرح می‌سازند: آیا مهارت‌های تدریس موجود متناسب با نیازهای توسعه تفکر انتقادی نیستند؟ آیا ساختار آموزشی و محتوای درسی امکان پرورش این مهارت را نمی‌دهند؟ و یا اینکه معلمان به آموزش‌های تخصصی بیشتری برای ارتقای توانایی‌های خود نیاز دارند؟

از سوی دیگر، تحولات سریع جهانی در حوزه‌های فناوری، اقتصاد و فرهنگ، نیاز به پرورش افرادی با قدرت تحلیل و قضاوت مستقل را بیش از گذشته آشکار کرده است. پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که استفاده بیش از حد از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی می‌تواند بر مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان اثر منفی بگذارد، زیرا آنان را به رویکردهای سطحی مانند کپی و پیست سوق می‌دهد. (Kosmyna, 2025) این امر ضرورت توجه به آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی و نقش کلیدی معلمان در هدایت دانش‌آموزان را برجسته‌تر می‌سازد.

با توجه به آنچه گفته شد، اهمیت بررسی رابطه تفکر انتقادی و مهارت‌های تدریس دبیران زن در مقطع متوسطه روشن می‌شود. این پژوهش می‌تواند وضعیت موجود را تبیین کرده و نقاط ضعف و قوت را آشکار سازد. نتایج آن می‌تواند برای **سیاست‌گذاران آموزشی، مدیران مدارس و مراکز تربیت معلم** راهگشا باشد تا از طریق اصلاح برنامه‌های درسی، ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای معلمان و طراحی آموزش‌های تخصصی، شرایط لازم برای پرورش تفکر انتقادی در دانش‌آموزان فراهم گردد. به این ترتیب، آموزش و پرورش می‌تواند رسالت اصلی خود را در تربیت نسل‌هایی اندیشمند، نقاد و خلاق به‌طور کامل محقق سازد.

بنابراین، با توجه به چنین خصوصیتی، ضرورت توجه به تفکر انتقادی و تلاش برای ایجاد آن در معلمان، روشن می‌شود. زیرا معلمانی که چنین خصوصیتی را دارا باشند، در انتخاب روش تدریس خود، به مسائلی دقت و توجه می‌کنند، که سایر معلمان ممکن است آنها را مورد غفلت قرار داده و اصلاً متوجه آن نباشند.

بدین منظور انتظار می‌رود که انجام این تحقیق بتواند حداقل راهنمایی برای حل قسمت کوچکی از مشکلات آموزش و تدریس باشد.

فرضیه‌ها

فرضیه اصلی

بین تفکر انتقادی و مهارت‌های تدریس دبیران زن رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. بین خلاقیت به عنوان زیرمقیاس تفکر انتقادی و مهارت‌های تدریس دبیران زن رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
۲. بین بالندگی (کمال) به عنوان زیرمقیاس تفکر انتقادی و مهارت‌های تدریس دبیران زن رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.
۳. بین تعهد به عنوان زیرمقیاس تفکر انتقادی و مهارت‌های تدریس دبیران زن رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است؛ زیرا هدف اصلی آن بررسی رابطه میان متغیرهای مورد نظر، یعنی تفکر انتقادی و مهارت‌های تدریس دبیران زن می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دبیران زن دوره متوسطه شهرستان مرودشت در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ است که تعداد آنان بالغ بر ۵۵۰ نفر برآورد گردید.

برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای استفاده شد. بدین ترتیب، از میان ۱۷ دبیرستان موجود در این شهر، تعداد ۱۰ دبیرستان به صورت تصادفی انتخاب گردید و سپس از هر دبیرستان، معلمان به شکل تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. در نهایت، حجم نمونه ۲۲۵ نفر برآورد شد که به لحاظ آماری نماینده مناسبی از جامعه تلقی می‌شود.

در این پژوهش از دو ابزار برای گردآوری داده‌ها استفاده شد.

پرسشنامه مهارت‌های تدریس که بر اساس ترکیب و تلخیص دو پرسشنامه مهارت‌های تدریس موجود (تهیه شده در سال ۱۳۹۰) طراحی گردید. نسخه نهایی شامل ۳۵ گویه است که بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (از «بسیار کم=۱» تا «بسیار زیاد=۵») نمره‌گذاری می‌شود. روایی محتوایی پرسشنامه توسط خبرگان حوزه علوم تربیتی تأیید گردید. پایایی ابزار در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۹۲/۰ به دست آمد که نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب است.

پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی ریکتس (Ricketts, 2003) به منظور سنجش گرایش به تفکر انتقادی طراحی شد و دارای ۳۳ گویه در سه مؤلفه خلاقیت، بالندگی (کمال‌جویی) و تعهد است. شیوه نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از «شدیداً مخالف=۱» تا «کاملاً موافق=۵» انجام می‌شود. تعدادی از گویه‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. ریکتس (۲۰۰۳) روایی سازه و همسانی درونی مطلوب این ابزار را گزارش کرده است. در ایران نیز روایی و پایایی پرسشنامه در مطالعات مختلف بررسی و تأیید شده است (رستمی، عباسی، و مرادی، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۸۲/۰ و برای خرده‌مقیاس‌های خلاقیت ۷۵/۰، بالندگی ۵۷/۰ و تعهد ۸۶/۰ محاسبه گردید که بیانگر پایایی مناسب ابزار است.

یافته‌ها

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به تفکر انتقادی، ابعاد آن و مهارت‌های تدریس

متغیر	میانگین	انحراف معیار
تفکر انتقادی (کل)	۱۰۵,۴۷	۷,۹۷
خلاقیت	۳۷,۰۳	۴,۲۸
بالندگی (کمال)	۲۴,۸۵	۳,۸۴
تعهد	۴۰,۲۲	۴,۲۶
مهارت‌های تدریس (کل)	۱۲۸,۷۳	۱۳,۵۱

بر اساس جدول ۱، میانگین نمره کل تفکر انتقادی دبیران زن برابر با ۱۰۵,۴۷ و انحراف معیار آن ۷,۹۷ به دست آمد. بررسی ابعاد تفکر انتقادی نشان داد که میانگین نمره خلاقیت ۳۷,۰۳، (SD = 4.28)، بالندگی (کمال) ۲۴,۸۵ (SD=3.84) و تعهد ۴۰,۲۲ (SD 4.26) بوده است. همچنین، میانگین نمره کل مهارت‌های تدریس دبیران برابر با ۱۲۸,۷۳ و انحراف معیار آن ۱۳,۵۱ گزارش شد. این نتایج نشان‌دهنده سطوح نسبتاً بالای مهارت تدریس و گرایش به تفکر انتقادی در نمونه مورد بررسی می‌باشد.

جدول ۲. ارتباط بین ابعاد تفکر انتقادی با مهارت‌های تدریس دبیران زن

مؤلفه های تفکر انتقادی	مهارت‌های تدریس (r)	سطح معناداری (p)
خلاقیت	۰,۰۵	> 0.05
بالندگی (کمال)	-۰,۰۸	> 0.05
تعهد	۰,۰۷	> 0.05
	**p<0.01	N=225

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که بین مؤلفه‌های تفکر انتقادی (خلاقیت، بالندگی و تعهد) و مهارت‌های تدریس دبیران زن رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، هیچ یک از مؤلفه‌های تفکر انتقادی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای مهارت‌های تدریس در این نمونه نبوده است.

جدول ۳. آمار توصیفی مربوط به تفکر انتقادی، ابعاد آن و مهارت‌های تدریس

متغیر	1	2
۱- مهارت‌های تدریس (کل)	-	0.003
۲- تفکر انتقادی (کل)	۰,۰۰۳	-

• N=223
 • P=0.480

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که بین مهارت‌های تدریس و تفکر انتقادی دبیران زن رابطه معناداری وجود ندارد ($r = 0.003$, $p = 0.480$). به عبارت دیگر، تغییر در میزان تفکر انتقادی همبستگی قابل توجهی با تغییر در مهارت‌های تدریس ندارد.

جدول ۳. رگرسیون خطی ساده پیش‌بینی مهارت تدریس از تفکر انتقادی

الف) خلاصه مدل (Model Summary)

مدل	R	R ²	Adjusted R ²	Std. Error of Estimate	F	df1	Df2	p
۱	۰,۰۰۳	۰,۰۰۰	-۰,۰۰۵	۱۳,۵۴۶	۰,۰۰۲	۱	۲۲۱	۰,۹۶۱

ب) ANOVA

مدل	منبع واریانس	SS	df	MS	F	P
۱	Regression	۰,۴۵۱	1	۰,۴۵۱	۰,۰۰۲	0.961
	Residual	۴۰۵۵۳,۸۶۳	۲۲۱	۱۸۳,۵۰۲	-	-
	Total	40554.314	۲۲۲	-	-	-

ج) Coefficients

مدل	متغیر	B	SE B	Beta	t	P
۱	ثابت	128.132	12.017	-	۱۰,۶۶۲	0.001
	تفکر انتقادی(کل)	0.006	0.114	۰,۰۰۳	۰,۰۵۰	۰,۹۶۱

نتایج رگرسیون خطی ساده نشان داد که تفکر انتقادی دبیران زن پیش‌بینی‌کننده معناداری برای مهارت‌های تدریس آنان نیست. ضریب رگرسیون (B = 0.006, Beta = 0.003) بسیار نزدیک به صفر و غیرمعنادار (p = 0.961) بود. ضریب تعیین مدل ($R^2 = 0.000$) و نتایج آزمون F نیز تأیید کردند که کل مدل رگرسیون معنادار نیست. ($F(1,221) = 0.002, p > 0.05$) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین تفکر انتقادی و مهارت تدریس هیچ رابطه پیش‌بینی‌کننده‌ای وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد بین تفکر انتقادی و ابعاد آن با مهارت‌های تدریس دبیران زن رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بررسی این فرضیه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون انجام شد و نتایج نشان داد که بین تفکر انتقادی به‌طور کلی و مؤلفه‌های آن (خلاقیت، بالندگی و تعهد) با مهارت تدریس دبیران، رابطه معناداری مشاهده نشد. این یافته‌ها با نتایج تحقیق پاک‌مهر و همکاران (۱۳۹۱) که نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین کیفیت تدریس و تفکر انتقادی بود، همخوانی ندارد.

بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد که روش‌های مختلف تدریس می‌توانند بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان تأثیرگذار باشند؛ اما به نظر می‌رسد صرف به‌کارگیری این روش‌ها کافی نیست. کیفیت تدریس دبیران، شامل بازخورد مؤثر، روابط بین فردی، استراتژی‌های تدریس و ارزشیابی، نقش محوری در ارتقای تفکر انتقادی دانش‌آموزان دارد. توجه به مهارت‌های تدریس و الگوهای رفتاری مدرسین نه تنها موجب کارآمدتر شدن روش‌های مختلف تدریس می‌شود، بلکه منجر به مشارکت فعالانه دانش‌آموزان در کلاس و تحریک مهارت‌های فکری آنان می‌گردد.

با توجه به اینکه پرورش مهارت‌های فکری دانش‌آموزان یکی از رسالت‌های عمده آموزش عالی است و مطالعات پیشین نشان‌دهنده پایین بودن سطح تفکر انتقادی دانشجویان است، نتایج تحقیق حاضر می‌تواند تأکید بیشتری بر اهمیت ارتقای کیفیت تدریس و آموزش مهارت‌های تدریس مؤثر داشته باشد.

پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش

با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

- ۱- دوره‌های ضمن خدمت معلمان به صورت عملی و با تمرکز مستقیم بر مهارت‌های تدریس طراحی شود.
- ۲- لازم است سایر عوامل مؤثر بر تدریس مانند مهارت‌های ارتباطی، انگیزش و تجربه مورد توجه بیشتر قرار گیرد.
- ۳- توصیه می‌شود ابزارهای ارزیابی معلمان، مجموعه‌ای از شایستگی‌های حرفه‌ای از جمله مهارت‌های تدریس را در برگیرد.
- ۴- برگزاری جلسات اشتراک تجربه و کارگاه‌های تخصصی میان معلمان می‌تواند به ارتقاء مهارت‌های تدریس کمک کند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در مطالعه حاضر فرم‌های رضایت نامه آگاهانه توسط تمامی آزمودنی‌ها تکمیل شد.

حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر توسط نویسنده مقاله تامین شد.

مشارکت نویسندگان

طراحی و ایده پردازی: طیبه نجفی؛ روش شناسی و تحلیل داده‌ها: طیبه نجفی؛ نظارت و نگارش نهایی: طیبه نجفی

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References:

Academic performance on the critical thinking skills of selected youth leaders. (Doctoral dissertation, Texas A&M University).

Alhowail, A. M. (2024). Evaluation of the critical thinking skills of secondary school students in Riyadh, Saudi Arabia. *Educational Researcher*, 53(2), 123–135.

Civilica. (2021). Investigating the relationship between critical thinking and academic motivation of secondary school students. *Iranian Journal of Educational Research*. [in Persian]

Darling-Hammond, L. (2017). Teacher education around the world: What can we learn from international practice? *European Journal of Teacher Education*, 40(3), 291–309.

Elmnet. (2021). Investigating the critical teaching knowledge of Iranian teachers and their critical thinking. *Iranian Journal of Educational Sciences*.

Facione, P. A. (2020). *Critical thinking: What it is and why it counts*. Insight Assessment.

Frooyesh, M. (2022). A study of critical thinking in high school students in Mashhad. *Iranian Journal of Education*.

Frooyesh, M. (2022). Investigating critical thinking in high school students in Mashhad. *Iranian Journal of Education*.

Goulas, S. (2024, June 27). *Twelve facts about the economics of education*. The Hamilton Project, Brookings Institution.

Hollenstein, L. (2024). The importance of teachers' pedagogical-psychological teaching knowledge. *Journal of Educational Psychology*, 116(2), 234-245.

IAU Journal. (2022). A study of barriers to critical thinking in the secondary education curriculum.

IAU Journal. (2022). Investigating the barriers to critical thinking in the secondary education curriculum.

Jiera. (2021). Investigating the role of locus of control on critical thinking of high school students.

Kosmyna, N. (2025). ChatGPT may be eroding critical thinking skills, according to a new MIT study. *Time Magazine*.

Loaiza, Y. E. (2025). Critical thinking and teacher training in secondary education: Challenges and strategies. *Journal of Educational Psychology*, 117(3), 456–470.

Moore, L. L., Rudd, R. D., & Penfield, D. A. (2002). *Critical thinking and its relationship to student achievement and leadership development*. *Journal of Agricultural Education*, 43(2), 45–55.

Nera Conference. (2020). Investigating the relationship between critical thinking and teachers' teaching style in Gorgan middle schools. [in Persian]

OECD. (2020). *Teaching, learning and assessing creative and critical thinking skills*.

Paul, R., & Elder, L. (2019). *The miniature guide to critical thinking: Concepts and tools* (8th ed.). Foundation for Critical Thinking Press.

Qajar Journal. (2022). Investigating the relationship between the tendency to critical thinking and academic optimism of high school teachers. [in Persian]

Razavipour, Ruhollah (2009). Studying the effect of problem-solving and traditional teaching methods on the level of critical thinking and academic performance of middle school students in Shiraz District 2. Master's thesis, unpublished, Islamic Azad University, Marvdasht Branch..[in Persian]

Rostami, F., Abbasi, A., and Moradi, M. (2016). Investigating the relationship between critical thinking tendencies and students' academic performance. *Quarterly Journal of Research in Higher Education*, 22(3), 67-84. [in Persian]

Singh, P. (2024). Role of teacher in secondary level. *International Journal for Multidisciplinary Research*, 6(1), 1–5.

Sterkenburg, C. T. (2024). The importance of critical thinking skills in secondary education. *Graduate Projects*, 456.

Walker, S. E. (2003). Active learning strategies to promote critical thinking. *PMC*.